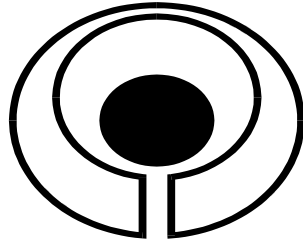


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
گروه آموزشی روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

اثر بخشی آموزش نظریه ذهن بر ارتقاء سطوح نظریه ذهن دانش آموزان
کم توان ذهنی آموزش پذیر

نگارنده:

سمیه انصاری نژاد

استاد راهنما:

دکتر گیتا موللی

استاد مشاور:

نرگس ادیب سرشکی

بهمن ۱۳۸۹

شماره ثبت:

۴۰۰۰-۱۵۴



دانشگاه علوم پزشکی و بهداشتی

دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی

تاییدیه اعضای هیات داوران

پایان نامه: خانم سمیه انصاری نژاد

به شماره دانشجویی: ۸۷۳۷۰۰۰۲۰

در رشته: روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

مقطع: کارشناسی ارشد

تحت عنوان: "اثربخشی آموزش نظریه ذهن بر ارتقاء سطوح آن در کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر"

بر اساس مصوبات شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه و با حضور هیأت داوران در تاریخ: ۸۹/۱۲/۱۶

دفاع گردید و نمره ۱۹.۵ (نوزده و نیم از بیست) با امتیاز: عالی به ایشان تعلق گرفت.

هیات داوران

۱. استاد راهنما: سرکار خانم دکتر گیتا هوشی

۲. استاد مشاور: (۱) سرکار خانم نرگس ادیب سرشکی

۳. مدیر گروه: سرکار خانم دکتر معصومه پورمحمدرضای تجربی

۴. اساتید داور: (۱) جناب آقای دکتر محمدی آریا
(۲) جناب آقای دکتر حجت اله حق گو

۵. نماینده دفتر تحصیلات تکمیلی: حضور جناب آقای...

تعهد نامه چاپ مطالب و مقالات مستخرج از پایان نامه یا رساله های دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

با عنایت به اینکه هر گونه مقاله استخراج شده از پایان نامه یا رساله و یا چاپ و انتشار بخشی یا تمام مطالب آن
مبین قسمتی از فعالیتهای علمی- پژوهشی دانشگاه می باشد بنابراین اینجانب **سمیه انصاری نژاد** دانش آموخته رشته
روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی متعهد می شوم که موارد ذیل را کاملاً رعایت نمایم.

۱. در صورت اقدام به چاپ هر مقاله ای از مطالب پایان نامه، خود را بعنوان دانش آموخته دانشگاه
علوم بهزیستی و توانبخشی معرفی نمایم و درج نام و آدرس محل دیگری خوداری کنم.
۲. در صورت اقدام به چاپ بخشی از یا تمام پایان نامه یا رساله خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به اطلاع
"انتشارات" و "دفتر تحصیلات تکمیلی" دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برسانم.
۳. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه یا رساله در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را درج نمایم:
"کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته روانشناسی و آموزش کودکان
استثنایی می باشد که در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی به راهنمایی سرکار
خانم دکتر گیتا موللی و مشاوره سرکار خانم نرگس ادیب سرشکی انجام و در سال ۱۳۸۹ از
آن دفاع شده است."
۴. به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک در صد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به
انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اهداء نمایم.
(دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد).
۵. در صورت عدم رعایت بند ۴، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه علوم بهزیستی و
توانبخشی، تادیه می کنم.
۶. قبول می نمایم و تعهد می کنم که در صورت خوداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه علوم بهزیستی و
توانبخشی می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند.
بعلاوه به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی حق می دهم به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه معادل
وجه مذکور در بند ۵ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.
اینجانب سمیه انصاری نژاد دانشجوی رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی مقطع کارشناسی ارشد
تعهد فوق و ضمانت اجرایی آنرا بدون قید و شرط قبول می نمایم، و به انجام آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی

امضاء و تاریخ

۱۳۸۹/۱۲/۱۴
سمیه انصاری نژاد

«تقدیم نامه»

تقدیم به:

پدرم که مظهر دوست داشتن است و زندگی

مادرم که جلوه‌ی خلوص و پاکی و گذشت است

و

مهربان‌ترین یار زندگیم:

مهدی عزیزم

تقدیر و تشکر

باسپاس فراوان از:

- استاد دکتر افتخار سهرکار خانم دکتر گیتا موللی به خاطر دقت نظر و راهنمایی های ارزنده و ارائه ایده های نظری و عملی مؤثر در

تمام مراحل پژوهش.

- استاد بزرگوارم سهرکار خانم ادیب که با دقت نظر خویش در این پژوهش راه گشای من بودند.

- مدیریت محترم و اعضای محترم گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی که هر یک به نحوی در طی این دوره راهنمایی

اینجانب بوده اند.

- مسئولین مرکز آموزشی اندیشه شهر مشهد که نهایت همکاری را در تمام مراحل اجرایی پژوهش را با اینجانب داشتند.

و

باسپاس از تمامی آزمودنی هایی که در این پژوهش شرکت داشتند.

چکیده

هدف: هدف از این مطالعه تعیین اثربخشی آموزش نظریه ذهن بر ارتقاء سطوح نظریه ذهن دانش آموزان کم توان ذهنی بود. روش: پژوهش از نوع مطالعات تجربی با پیش آزمون- پس آزمون با یک گروه کنترل بود. ۳۰ نفر از دانش آموزان دختر کم توان ذهنی با دامنه سنی ۱۲-۸ سال با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. بعد از همتا سازی بر اساس سن تقویمی و هوش و نمرات نظریه ذهن آنها به دو گروه آزمایش (۱۵ دانش آموز) و گروه کنترل (۱۵ دانش آموز) تقسیم شدند. نظریه ذهن به مدت ۹ جلسه به دانش آموزان در گروه آزمایش، آموزش داده شد، اما گروه کنترل هیچ نوع آموزشی در این زمینه دریافت نکردند و فقط در جریان برنامه های معمول مدرسه قرار داشتند. پس آزمون برای هر دو گروه اجرا شد. ابزار پژوهش شامل آزمون ۳۸ سوالی نظریه ذهن و آزمون ماتریس های پیشرونده ریون بود. داده های به دست آمده از پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفتند. یافته ها: نتایج نشان داد که آموزش نظریه ذهن اثر معناداری بر ارتقاء سطوح نظریه ذهن دارد ($p < 0/001$). بحث: آموزش نظریه ذهن می تواند بر ارتقاء سطوح نظریه ذهن دانش آموزان دختر کم توان ذهنی ۱۲-۸ سال موثر باشد.

کلید واژه ها: آموزش نظریه ذهن، سطوح نظریه ذهن، کم توان ذهنی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش	
۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ بیان مسأله	۴
۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش	۹
۴-۱ اهداف پژوهش	۱۲
۱-۴-۱ هدف کلی	۱۲
۲-۴-۱ اهداف اختصاصی	۱۳
۳-۴-۱ اهداف کاربردی	۱۳
۵-۱ سؤالات پژوهش	۱۳
۶-۱ متغیرهای پژوهش	۱۴
۱-۶-۱ تعریف مفهومی متغیرها	۱۴
۲-۶-۱ تعریف عملیاتی متغیرها	۱۴
فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش	
۱-۲ مقدمه	۱۸
۲-۲ کم توانی ذهنی	۱۸
۱-۲-۲ تعریف	۲۰
۲-۲-۲ شیوع	۲۰
۳-۲-۲ طبقه بندی کم توانی ذهنی	۲۱
۱-۳-۲-۲ بر اساس انتظارهای آموزش پذیری	۲۱
۲-۳-۲-۲ کم توان ذهنی آموزش پذیر	۲۲
۳-۳-۲-۲ کم توان ذهنی تربیت پذیر	۲۳
۴-۳-۲-۲ کم توان ذهنی حمایت پذیر	۲۴
۴-۲-۲ تغییر نام عقب ماندگی ذهنی به کم توانی ذهنی	۲۵

- ۲۵..... ۳-۲ نظریه ذهن
- ۲۷..... ۱-۳-۲ تعاریف و اصطلاحات مترادف نظریه ذهن
- ۲۸..... ۲-۳-۲ تاریخچه طرح نظریه ذهن
- ۲۹..... ۳-۳-۲ نظریه های تبیینی نظریه ذهن
- ۲۹..... ۱-۳-۳-۲ نظریه- نظریه
- ۳۲..... ۲-۳-۳-۲ شبیه سازی
- ۳۴..... ۳-۳-۳-۲ پیمانانه ای
- ۳۶..... ۴-۳-۲ نظریه ذهن در کودکان کم توان ذهنی
- ۳۹..... ۵-۳-۲ سطوح نظریه ذهن
- ۴۱..... ۶-۳-۲ حالات ذهنی
- ۴۲..... ۱-۶-۳-۲ میل
- ۴۸..... ۲-۶-۳-۲ باور
- ۵۵..... ۳-۶-۳-۲ هیجان
- ۵۵..... ۱-۳-۶-۳-۲ انواع هیجان
- ۵۶..... ۲-۳-۶-۳-۲ هیجان های مثبت
- ۵۶..... ۱-۲-۳-۶-۳-۲ شادی
- ۵۶..... ۳-۳-۶-۳-۲ هیجان های منفی
- ۵۶..... ۱-۳-۳-۶-۳-۲ ترس
- ۵۷..... ۲-۳-۳-۶-۳-۲ خشم
- ۵۷..... ۳-۳-۳-۶-۳-۲ غم
- ۵۷..... ۴-۶-۳-۲ وظایف و نقش هیجان ها
- ۵۸..... ۵-۶-۳-۲ نظریه های هیجان
- ۵۸..... ۱-۵-۶-۳-۲ نظریه جیمز لانگه
- ۵۸..... ۲-۵-۶-۳-۲ نظریه کنون- بارد
- ۶۰..... ۳-۵-۶-۳-۲ نظریه آرنولد
- ۶۰..... ۴-۵-۶-۳-۲ نظریه لازاروس
- ۶۱..... ۵-۵-۶-۳-۲ نظریه پارکینسون

- ۲-۳-۶-۵-۶ نظریه واینز ۶۲
- ۲-۴ پژوهش های انجام شده در حیطه نظریه ذهن ۶۳

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

- ۳-۱ مقدمه ۶۷
- ۳-۲ نوع مطالعه ۶۷
- ۳-۳ جامعه و نمونه و روش نمونه گیری ۶۷
- ۳-۳-۱ جامعه آماری ۶۷
- ۳-۳-۲ نمونه مورد مطالعه ۶۷
- ۳-۳-۳ روش نمونه گیری ۶۸
- ۳-۳-۳-۱ معیارهای ورود به مطالعه ۶۹
- ۳-۳-۳-۲ معیارهای خروج از مطالعه ۶۹
- ۳-۴ ابزارهای پژوهش ۶۹
- ۳-۴-۱ آزمون نظریه ذهن ۳۸ سؤالی ۶۹
- ۳-۴-۱-۱ زمان و نحوه نمره گذاری ۷۰
- ۳-۴-۱-۲ روایی و پایایی ۷۱
- ۳-۴-۲ آزمون ماتریسهای پیشرونده ریون ۷۲
- ۳-۴-۲-۱ زمان و نحوه نمره گذاری ۷۲
- ۳-۴-۲-۲ روایی و پایایی ۷۳
- ۳-۵ روش اجرا ۷۴
- ۳-۶ روش تجزیه و تحلیل داده ها ۷۸
- ۳-۷ ملاحظات اخلاقی ۷۸

فصل چهارم: توصیف و تحلیل داده ها

- ۴-۱ مقدمه ۸۱
- ۴-۲ یافته های توصیفی ۸۱
- ۴-۳ یافته های استنباطی ۸۸
- ۴-۳-۱ سؤال ۱ ۸۸

- ۴-۳-۲ سؤال ۲..... ۸۹
- ۴-۳-۳ سؤال ۳..... ۹۰
- ۴-۴ یافته جانبی پژوهش..... ۹۱

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- ۵-۱ مقدمه..... ۹۴
- ۵-۲ بررسی سؤالات پژوهش..... ۹۵
- ۵-۳ محدودیت های پژوهش..... ۱۰۲
- ۵-۴ پیشنهاد های پژوهشی..... ۱۰۳
- ۵-۴-۱ پیشنهاد های کاربردی..... ۱۰۳
- فهرست منابع..... ۱۰۵
- پیوست ها..... ۱۱۵
- پیوست (۱) آزمون نظریه ذهن به همراه پاسخ نامه و تصاویر..... ۱۰۷
- پیوست (۲) برنامه مداخله..... ۱۳۳

چکیده لاتین

عنوان لاتین

فهرست جداول

- جدول ۴-۱ شاخص‌های آماری سن آزمودنی‌ها با توجه به گروه ۸۱
- جدول ۴-۲ شاخص‌های آماری بازشناسی عواطف و وانمود (سطح اول نظریه ذهن) آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۲
- جدول ۴-۳ شاخص‌های آماری درک باور غلط اولیه (سطح دوم نظریه ذهن) آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۳
- جدول ۴-۴ شاخص‌های آماری درک باور غلط ثانویه (سطح سوم نظریه ذهن) آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۵
- جدول ۴-۵ شاخص‌های آماری نظریه ذهن کلی آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۶
- جدول ۴-۶ بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پیوسته ۸۷
- جدول ۴-۷ مقایسه میانگین بازشناسی عواطف و هیجانات (سطح اول نظریه ذهن) گروه آزمایش و کنترل ۸۸
- جدول ۴-۸ مقایسه میانگین درک باور غلط اولیه (سطح دوم نظریه ذهن) گروه آزمایش و کنترل ۸۹
- جدول ۴-۹ مقایسه میانگین درک باور غلط ثانویه (سطح سوم نظریه ذهن) گروه آزمایش و کنترل ۹۰
- جدول ۴-۱۰ مقایسه میانگین نظریه ذهن کلی گروه آزمایش و کنترل ۹۱

فهرست نمودارها

- نمودار ۴-۱ نمایش میانگین سن آزمودنی‌ها با توجه به گروه ۸۲
- نمودار ۴-۲ نمایش بازشناسی عواطف و وانمود (سطح اول نظریه ذهن) آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۳
- نمودار ۴-۳ نمایش درک باور غلط اولیه (سطح دوم نظریه ذهن) آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۴
- نمودار ۴-۴ نمایش درک باور غلط ثانویه (سطح سوم نظریه ذهن) آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۵
- نمودار ۴-۵ نمایش نظریه ذهن کلی آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در دو موقعیت پیش آزمون و پس آزمون ۸۷

فصل اول

(کلیات پژوهش)

۱- مقدمه

رشد شناختی^۱، رشد مهارت های مورد استفاده در نوزادان و کودکان برای درک و تعامل با جهان اطراف آنهاست (برگر^۲، ۲۰۱۰). امروزه محققین به جنبه بسیار مهمی از رشد شناختی یعنی شناخت اجتماعی^۳ توجه نشان می دهند. شناخت اجتماعی به عنوان احاطه کننده همه مهارت های مورد نیاز کودک برای این که تمایلات، هیجانات و احساسات دیگر کودکان و بزرگسالان را درک کند، شناخته می شود (سبولا^۴ و ویشارت^۵، ۲۰۰۸). اخیراً برخی مطالعات به بررسی سازه های شناخت اجتماعی نظیر " ادراک شخص^۶ "، "مهارت های پذیرش نقش^۷ " و " نظریه ذهن^۸ " پرداخته اند (گرادی^۹ و کیتلی^{۱۰}، ۲۰۰۲). سازه اخیر یعنی " نظریه ذهن " یکی از بحث برانگیزترین موضوعات مطرح در روانشناسی رشد می باشد (تیلور^{۱۱} و کیندرمن^{۱۲}، ۲۰۰۲). نظریه ذهن، توانایی درک افکار و احساسات دیگران بر اساس استنباط حالات ذهنی^{۱۳} است (دالگرین^{۱۴}، دالگرین سندبرگ^{۱۵} و لارسون^{۱۶}، ۲۰۱۰). حالات ذهنی، نگرش های گزاره ای^{۱۷} هستند که شامل امیال^{۱۸}، هیجانات^۱،

¹ -Cognitive development

² - Burger,K

³ - Social cognition

⁴ - Cebula,K

⁵ - wishart,J

⁶ - Person perception

⁷ - Role- taking skills

⁸ -Theory of mind (TOM)

⁹ - Grady,C

¹⁰ - Keightley,M

¹¹ - Taylor,L

¹² - Kinderman, P

¹³ - Mental states

¹⁴ - Dahlgren,S

¹⁵ - Dahlgren Sandberg,A

¹⁶ -Larsson,M

¹⁷ - Propositional attitude

¹⁸ -Desieres

باورها^۲، نیات^۳ و ... می شود (دوهرتی^۴، ۲۰۰۹). از مهمترین حالات ذهنی می توان به هیجانات، امیال باورها اشاره کرد. بسیاری از شواهد تجربی نشان می دهند که کودکان از حوالی سنین سه تا چهار سالگی بر هیجانات، باورها و تمایلات دیگران شناخت می یابند (گاتیر^۵، ۲۰۰۵، به نقل از تیریون^۶ و نادر - گرس بویس^۷، ۲۰۰۸). هیجانات به مجموعه پیچیده ای از حالاتی که فراتر از احساسات خوب یا بد است اطلاق می شود که شامل احساس شادی، غم، عصبانیت، پرخاشگری و غیره می شود (ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳). درک کودکان از هیجانات اغلب در اصطلاحات امیال و باورها طبقه بندی می شوند (بلوم^۸، ۲۰۰۳). در واقع امیال و باورها عناصر اصلی هیجانات هستند. امیال که مشخص کننده اهداف فرد است، در برگیرنده پیامدها و حالت های خواسته شده و دوری جستن از پیامدها و حالت های منفی است (کازدین^۹، ۲۰۰۰). ولمن^{۱۰} (۱۹۹۰) بیان می کند که مفهوم میل در دوسالگی کسب می شود و فلاول^{۱۱} (۱۹۹۹) معتقد است که در سه سالگی کودکان آمادگی پیدا می کنند تا ارتباط های علی ساده بین امیال، پیامدها، هیجانات و اعمال را درک کنند. باور که بر اساس آن ما آنچه را که یک فرد حالت درستی از جهان می داند را پیش بینی می کنیم، شیوه ای را که جهان می باشد یا دست کم ما می خواهیم باشد را منعکس می کند، بنابراین اگر ما بفهمیم باورمان اشتباه است سعی خواهیم کرد آن را مطابق با حقیقت اشیای خارجی تغییر دهیم. به طور کلی پذیرفته شده است که کودک برای به دست آوردن مفهوم باور باید درک کند که آنچه دیگری باور دارد می تواند

1 - Emotions

2 - Beliefs

3 - Intention

4 - Doherty, M

5 - Gauthier, C

6 - Thirion, A

7 - Nader-Grosbois, N

8 - Bloom, M

9 - Kazdin, A

10 - Wellman, H

11 - Flavell, J

نادرست باشد (آستینگتون^۱، ۱۹۹۳). بنابراین توانایی پیش بینی و تبیین رفتار دیگران و خود، مستلزم داشتن نظریه ذهن است. نظریه ذهن همچون چتری عمل می کند که درک کودکان از حالات ذهنی دیگران را تحت لوای خود قرار می دهد (همیلتون^۲، بریندلی^۳ و فریث^۴، ۲۰۰۹). فلاول، میلر^۵ و میلر (۱۹۹۳) با حمایت از دیدگاه تحولی در مورد نظریه ذهن، معتقدند نظریه ذهن دارای سه سطح می باشد که عبارتند از سطح اول نظریه ذهن که همان شکل گیری نظریه ذهن مقدماتی است، سطح دوم که در آن یک نظریه ذهن واقعی، ولی اولیه شکل گرفته است و سطح سوم که جنبه های پیشرفته تر نظریه ذهن، نظیر درک شوخی و قضاوت های پیچیده را شامل می شود. پژوهش هایی در حیطه نظریه ذهن صورت گرفته است، که نشان داده اند کودکان کم توان ذهنی در مقایسه با کودکان عادی در اکتساب و تحول نظریه ذهن تأخیر دارند (مشهدی و محسنی، ۱۳۸۵؛ قمرانی و البرزی، ۱۳۸۴). بنابراین آموزش به کودکان کم توان ذهنی جهت اکتساب و تحول نظریه ذهن ضروری به نظر می رسد.

۱-۲ بیان مسئله:

درک کودک از دیدگاه دیگران از دیر باز مورد توجه روانشناسان بوده است. پیاژه^۶ با انجام تکلیف سه سه کوه نشان داده است کودکان مرحله پیش عملیاتی در درک دیدگاه دیگران مشکل دارند (مشهدی و محسنی، ۱۳۸۵) و نمی توانند بین دیدگاه خود و دیگران تمایز قایل شوند (کارپندال^۷ و همکاران،

¹ -Astington,J

² -Hamilton,A

³ -Brindley,R

⁴ -Frith,U

⁵ -Miller,P

⁶ - Piaget,J

⁷ - Carpendale, J

۲۰۰۸). این عقیده پیاژه در دهه ۱۹۸۰ با طرح نظریه ذهن دچار تغییر و تحول شد. در سال ۱۹۷۸ پریماک^۱ و وودروف^۲ در پژوهشی سعی کردند دریابند «آیا شامپانزها قادر به ذهن خوانی^۳ هستند؟» (دوهرتی، ۲۰۰۹). با انتشار مقاله پریماک و وودروف، توجه روانشناسان رشد به این حوزه جلب شد. آنها با بکار بردن تکالیفی (مانند انتقال غیر منتظره^۴ و محتوای غیر منتظره^۵) که پاسخگویی به آنها مستلزم مستلزم در نظر گرفتن دیدگاه دیگران بود، سعی کردند درک کودکان از ذهن دیگران را بررسی کنند. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که در حول و حوش چهار و پنج سالگی یک تغییر کیفی در توانایی درک باور غلط^۶، از سوی کودکان رخ می‌دهد (گاتیر، ۲۰۰۵ به نقل از تیرویون و نادر - گرس بویس، ۲۰۰۸) و در این مرحله است که کودک متوجه می‌شود که دیگر افراد می‌توانند باورهای داشته باشند که غلط بوده یا با باور او متضاد باشند (سبولا و ویشارت، ۲۰۰۸). همچنین، علاوه بر درک دیدگاه دیگران، کودکان ۴ یا ۵ ساله می‌توانند رفتار دیگران را نیز پیش بینی کنند (امین یزدی، ۱۳۸۳).

با استفاده از تکالیفی که باور غلط را می‌سنجند، پژوهشگران نقص نظریه ذهن در کودکان اتیسم^۷ (بارون - کوهن،^۸ لزی^۹ و فریث، ۱۹۸۵ به نقل از هاریس^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۸)، کودکان با اختلالات فراگیر رشد^{۱۱}، اختلال بیش‌فعالی - کمبود توجه^{۱۲}، کودکان با اختلالات تحولی زبان^{۱۳} (بیتلر^{۱۴} و

1- Premack, D

2 - Woodruff, G

3 -Mind reading

4 - Unexpected transfer

5 -Unexpected content transfer

6 - False belief

7 -Autism

8 - Baron-Cohen, S

9 - Ieslie, A

10 -Harris, M

11 - Pervasive developmental disorder

12 -Attention deficit- hyperactivity disorder

13 - Developmental language disorders

14 - Buitelaar, J

همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از دالگرین و همکاران، (۲۰۱۰)، اسکیزوفرنی^۱ (برون،^۲ ۲۰۰۶)، ناشنوا^۳ پترسون^۴، (۲۰۰۴)، کم توانی ذهنی^۵ و سندرم داون^۶ (یرمیا^۷، شالمن^۸ و پیل و سکی^۹، ۱۹۹۶، به نقل از ساندا کوئیست^{۱۰} و رونبرگ^{۱۱}، ۲۰۱۰) را گزارش کرده اند. پس از این گزارش‌ها تلاش‌هایی جهت آموزش نظریه ذهن به کودکان اتیسم انجام شده است.

در یکی از اولین کارهای آموزش نظریه ذهن، گاپنیک^{۱۲} و اسلاتر^{۱۳} (۱۹۹۶) به نقل از کلو^{۱۴} و پرر^{۱۵} (۲۰۰۸) نشان دادند که آموزش باور، ادراک و میل باعث بهبود عملکرد نظریه ذهن کودکان می شود. همچنین هادوین^{۱۶}، بارون - کوهن، هاولین^{۱۷} و هیل^{۱۸} (۱۹۹۶) در پژوهش خود با عنوان این که آیا می توان کودکان مبتلا به اتیسم را برای درک هیجانات، باور یا وانمودسازی^{۱۹} آموزش داد، نشان دادند که امکان آموزش کودکان مبتلا به اتیسم برای گذراندن تکالیفی که درک باور و هیجان را ارزیابی می کند، وجود دارد. بارون - کوهن و همکاران (۱۹۹۷) نیز در پژوهشی که به منظور بررسی تأثیر آموزش نظریه ذهن (باور، هیجان) بر مهارت‌های مکالمه ای کودکان اتیستیک انجام دادند، نشان دادند که کودکان از طریق آموزش یاد می گیرند که تکالیف مرتبط با درک باور و هیجان را بگذرانند. در

1 -Schizophrenia

2 -Brune,M

3 - Deaf

4 -Peterson,C

5 - Intellectual disability

6 -Syndrome down

7 -Yirmiya, N

8 - Shulman, C

9 -Pilowsky, T

10 - Sandqvist,A

11 - Ronnberg, J

12 - Gopnik,A

13 -Slaughter,V

14 - Kloo,P

15 - Perner,J

16 - Hadwin,J

17 - Howlin, p

18 - Hill,k

19 - Pretence

پژوهش های ذکر شده، ملاک قضاوت در مورد نظریه ذهن، پاسخ گویی به تکالیف باور غلط بوده است. بحث هایی پیرامون اینکه آیا پاسخ گویی موفقیت آمیز به تکالیفی که باور غلط را می سنجد می تواند معیار مناسبی برای قضاوت در مورد نظریه ذهن کودک باشد، پیش آمده است (بلوم و ژرمن،^۱ ۲۰۰۰). پژوهشگرانی که تکالیف باور غلط را مبنای قضاوت خود قرار می دهند، معتقدند که کودکانی که قادر به پاسخگویی صحیح به این تکالیف باشند، نظریه ذهن آنها شکل گرفته است و بدین گونه نظریه ذهن را یک سازه تک بعدی در نظر می گیرند ولی برخی از پژوهشگران معتقدند نظریه ذهن یک سازه چند بعدی است که از سطوح متفاوتی برخوردار است (موریس^۲ و همکاران، ۱۹۹۹).

طبق دیدگاه تحولی و چند بعدی فلاول و همکاران (۱۹۹۳)، در سطح اول نظریه ذهن کودکان توانایی بازشناسی عواطف و هیجانات را کسب می کنند. هیجانات به عنوان عامل و عنصر اساسی رفتار سازشی فرد در ارتباط با محیط انسانی و اجتماعی پیرامون او محسوب می شود. قابلیت تشخیص حالات هیجانی چهره و درک حالات هیجانی دیگران مرکزی برای شکل گیری روابط اجتماعی با دیگران است و به عنوان مهارت های اصلی به منظور توسعه و حفظ روابط اجتماعی مناسب در نظر گرفته می شود. پژوهش های تحولی به ویژه بر نقش مهم این توانایی بر تعاملات اجتماعی، شناخت خود و دیگری، منش فردی و لیاقت های اجتماعی تأکید دارند (محسنی، ۱۳۸۳). برخی محققان به شواهدی از نقص شناخت هیجانات در میان کودکان و بزرگسالان با کم توانی ذهنی دست یافتند (سبولاو و یشارت، ۲۰۰۷). در سطح دوم نظریه ذهن، کودکان به درک باور غلط اولیه می رسند یعنی درک می کنند که دیگران دارای حالت های ذهنی متفاوتی هستند. و در سطح سوم به درک باور غلط ثانویه می رسند یعنی در این سطح درک می کنند که ممکن است برخی افراد درباره باورهای دیگران عقاید غلط

¹ - German, T

² - Muris, P

داشته باشند. در هر یک از این سطوح، کودکان مهارت های مربوط به نظریه ذهن را کسب می کنند و قادر به تبیین و تفسیر محتواهای ذهن دیگران می شوند و می توانند رفتارهای آتی آنها را پیش بینی کنند. کسب مهارت های مربوط به نظریه ذهن، حیطة ای مهم در برقراری روابط روزمره و تعاملات اجتماعی کودکان است و یادگیری تکالیف این حوزه آنها را برای داشتن زندگی موفقیت آمیز یاری می دهد. کودکان کم توان ذهنی در درك این نکته نانون هستند که ذهن دیگران، دارای افکار متفاوتی است و رفتار افراد توسط این حالت های ذهنی تعیین می شود لذا در سطوح نظریه ذهن و یا مهارت های نظریه ذهن دچار نقص هستند (ادیب و همکاران، ۱۳۸۹). پژوهش های بسیاری به بررسی تأثیر آموزش نظریه ذهن پرداخته اند. برخی از این پژوهش ها نشان داند که کودکانی که در گروه آموزش قرار گرفته اند به طور معناداری در پس آزمون و آزمون پیگیری " نظریه ذهن " نسبت به گروه کنترل عملکرد بهتری را نشان داده اند (از جمله این پژوهش ها می توان به پژوهش اپلتون^۱ و ردی^۲، ۱۹۹۶، فیشر^۳ و هاپه^۴، ۲۰۰۵) اشاره کرد. اکثر این پژوهش ها در گروه کودکان استثنایی، کودکان اتیسم را مورد توجه قرار داده اند و کودکان عقب مانده ذهنی به ندرت مورد پژوهش قرار گرفته اند و در همان پژوهش های اندک، بیشتر به عنوان گروه کنترل مورد استفاده قرار گرفته اند (چارمن^۵ و کامپبل^۶، ۲۰۰۲). از آنجا که کودکان کم توان ذهنی در قیاس با کودکان عادی از لحاظ مهارت های نظریه ذهن نقص داشته (زلازو^۷ و همکاران، ۱۹۹۶؛ بنسون^۸ و همکاران، ۱۹۹۳؛ کارمن^۹ و همکاران

¹ - Appleton, M

² - Reddy, V

³ - Fisher, N

⁴ - Happe, F

⁵ - Charman, T

⁶ - Campbell, A

⁷ - Zelazo, P

⁸ - Benson, G

⁹ - Carman, T